

طرحواره نظریه انقلاب اسلامی بر مبنای آموزه‌های آیه ۲۵ سوره حدید

سید کاظم عبادی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۴

چکیده

دستیابی به نظریه جامع و مقبول درباره انقلاب‌ها، به ویژه انقلاب‌های دینی، برای جهت‌دهی و هدایت جنبش‌های مردمی در جهان متلاطم و در حال گذار کنونی، مسئله‌ای لازم و مهم است. این پژوهش کوششی است روشمند برای ارائه طرحواره نظریه انقلاب اسلامی که از اتقان و استناد کافی و از قوت تبیینی قابل دفاع و قابل رقابت نسبت به سایر نظریه‌ها در این زمینه برخوردار باشد. این هدف از رهگذر مطالعه قرآن کریم و استفاده از آموزه‌های ابطال‌ناپذیر وحی با محوریت پژوهش بر اساس آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید دنبال می‌گردد. این پژوهش از نوع اکتشافی و کیفی بوده، چارچوب نظری آن به روش تحلیلی و نظریه‌ی انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه‌های قرآن به روش تفسیری به دست آمده است. ارزیابی اعتبار و توان تبیینی این نظریه در مقایسه با سایر نظریه‌های انقلاب اسلامی از روش مطالعه‌ی تطبیقی انجام شده است. نظریه‌ی حاصل شده به مثابه طرحواره بدین شرح است که «انقلاب اسلامی عبارت است از قیام مردمی بر پایه تعالیم قرآن کریم و دین اسلام با هدف تحوّل بنیادین و سرنگونی حکومت و نظام طاغوت، ظالم و فاسد حاکم و استقرار حکومت و نظام جدید مبتنی بر معارف و احکام اسلامی و معیارهای علم، حق، عدل و قسط، با محوریت رهبری دینی و با روش آگاهی‌بخشی و بسیج مردم و برخورد قاطع و قهرآمیز با دشمنان».

کلید واژه‌ها: طرحواره، نظریه، آموزه، انقلاب اسلامی، کتاب، میزان، قسط، حدید

مقدمه

غالب بررسی‌های انجام شده در موضوع انقلاب، ریشه در مطالعه تاریخی و تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به ویژه در دوره زمانی نزدیک به وقوع هر یک از انقلاب‌ها دارند. به گونه‌ای که امروز اکثر نظریه‌های کلاسیک درباره‌ی انقلاب‌ها مبتنی بر ایدئولوژی مارکسیسم و سوسیالیسم یا ایدئولوژی لیبرالیسم و سرمایه‌داری و با رویکردهای جامعه‌شناسی، اقتصادی و سیاسی طرح شده است. برخورداری از نظریه‌ی معتبر و مقبول درباره انقلاب‌ها، به ویژه انقلاب‌های دینی که بتواند تبیین دقیق‌تری از مختصات یک انقلاب اجتماعی ارائه دهد، مسئله مورد توجه در این مقاله است. علاوه بر این، فضای ذهنی و محیط متلاطم و در حال تحول در کشورهای مختلف جهان به ویژه در کشورهای اسلامی و فراهم شدن زمینه‌های جدید برای فعالیت و تلاش انقلابیون، دستیابی به چنین نظریه‌ای را برای جهت‌دهی و هدایت جنبش‌های مردمی، به امری لازم و مهم تبدیل کرده است. برخورداری از نظریه‌ای پیرامون انقلاب اسلامی که قابلیت تبدیل به یک گفتمان مسلط و فراگیر را داشته باشد، مهمترین بستر برای رهبری و جهت‌دهی انقلاب‌های اجتماعی در جهان کنونی برای تغییر وضع موجود و حرکت به سمت وضع مطلوب و آرمانی برای زندگی بشر است.

رجوع به قرآن و آموزه‌های قطعی و ابطال‌ناپذیر وحیانی، مزیت مطلق برای این پژوهش فراهم می‌آورد تا علاوه بر مطالعه و تحلیل و بررسی تجربیات بشری در زمینه تحولات بنیادین اجتماعی و سیاسی، چارچوب نظری خود را به نحوی واقعی‌تر و کامل‌تری شکل دهد.

هدف این پژوهش برداشتن گامی روشمند برای دستیابی به طرحواره نظریه انقلاب اسلامی بر مبنای قرآن کریم است. سؤال این است که آیا آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید که مطلع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، مؤلفه‌ها و شاخص‌های خاصی را درباره انقلاب‌های الهی ارائه می‌دهد تا بتوان بر مبنای آن طرحواره نظریه انقلاب اسلامی را تعریف و تبیین کرد؟

طرحواره‌ها، توصیف‌کننده الگوهایی از تفکر، رفتار، تعامل و ارتباط انسانی هستند که مقوله‌های شناخت را سازماندهی نموده و ارتباطات بین شناخت‌های مختلف را برقرار

می‌سازند. فراشناخت نیز شیوه‌ای برای مدیریت طرحواره‌های ذهنی در انسان است (طالبی و طیبی، ۱۳۹۷: ۷۱). منظور از طرحواره نظریه انقلاب اسلامی، قالب فکری شامل هسته‌ی اصلی باورها و چارچوب ذهنی و نظری درباره‌ی انقلاب اسلامی است که چگونگی رفتار و کنش عملی افراد را شکل می‌دهد.

پیشینه‌شناسی تحقیق

در گام اول، چستی مفهوم انقلاب در جوامع بشری و شناسایی ساخت و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. «تعریف اجزای تشکیل‌دهنده انقلاب، نخستین و شاید دشوارترین مسئله‌ای است که باید با آن روبرو شویم.» (کوهن، ۱۳۸۶: ۳۱). در این مقاله با مطالعه اهم نظریه‌های انقلاب، شالوده و ساخت آن‌ها تبیین شده و چارچوب نظری صورت-بندی می‌گردد.

مفهوم انقلاب

از دیدگاه استاد شهید مطهری، انقلاب از نظر لغوی به معنای دگرشدن و در اصطلاح یعنی تغییر بنیادی در جامعه و دگرگون شدن جامعه از بُن و اساس و در هم ریختن نظم حاکم و تغییر وضع موجود توأم با شدت و مقرون به نوعی انکار، طرد، عصیان، شورش و قیام (مطهری، ۱۳۸۴: ۶۹-۷۱) و (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۹۷-۱۹۹).

از منظر آیت‌الله مصباح یزدی، انقلاب در اصطلاح علم سیاست عبارت است از تحول سریع، شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد. نظریه‌های انقلاب نیز متکفل بیان علل موجد، فرایند و روند انقلاب هستند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۱).

لپستریا در دایره‌المعارف دموکراسی، انقلاب را دگرگونی‌های اساسی و سریع آرمان‌ها و نهادهای حکومتی یک ملت و نیز دگرگونی‌های اساسی و سریع ساختارهای اجتماعی آن، تعریف می‌کند (لپستریا، ۱۳۸۳: ۲۷۷).

ساموئل هانتینگتون، انقلاب را یک دگرگونی سریع، بنیادی و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط بر یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت و سیاست‌های حکومتی می‌داند (ساموئل هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸۵).

نظریه‌های انقلاب

استن تیلور، نظریه‌های وقوع انقلاب را به چهار گروه جامعه‌شناختی، روانشناختی، اقتصادی و سیاسی تقسیم کرده‌است. در نظریه‌های جامعه‌شناختی، تأکید اصلی روی عوامل جامعه‌شناختی از قبیل طبقات، قشربندی‌ها و نظام اجتماعی است؛ مانند نظریه کارکردگرا-ساختاری چالمرز جانسون. در نظریه‌های روانشناختی، تأکید روی عوامل روانشناسی مانند شخصیت افراد و محتوای روانی جامعه و موضوعاتی از قبیل افزایش انتظارات و احساس محرومیت است؛ مثل نظریه منحنی جی (J) جیمز دیویس و نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر. در نظریه‌های اقتصادی، اقتصاد زیربنا و یا یک عامل کلیدی و اصلی تلقی می‌شود. در نظریه‌های سیاسی، تأکید اصلی در رخداد انقلاب بر عامل سیاسی است؛ مانند نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون و نظریه بسیج منابع چارلز تیلی (ملکوئیان، ۱۳۹۴: ۱۸۴). اسکاچ پل نظریه‌های معاصر انقلاب را به‌طور عمده در چهار دسته تقسیم‌بندی کرده است: ۱- نظریه‌های مارکسی و مارکسیستی، ۲- نظریه‌های روانشناختی توده‌ای، ۳- نظریه‌های ارزشی که انقلاب را پاسخ خشونت‌بار جنبش‌های عقیدتی به نابرابری‌های اجتماعی می‌دانند، ۴- نظریه‌های منازعه‌ی سیاسی (اسکاچ پل، ۱۳۷۶: ۲۳-۲۵). در این مقاله نظریه‌های انقلاب در ذیل چهار رهیافت اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، دسته‌بندی شده‌اند.

رهیافت اقتصادی

نظریه مارکسیستی انقلاب، تضاد را عنصر اساسی جامعه می‌داند و تغییر و تحولات تاریخی را دارای جنبه‌ای خشونت‌آمیز قلمداد می‌کند. نظریه‌های مارکسیستی بر تحلیل طبقاتی و تأکید بر نقش مسلط عامل اقتصاد مبتنی هستند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۴۱). از

دیدگاه مارکس، منازعه انقلابی، از ساختار منافع اجتماعی و آگاهی نسبت به آنها برمی‌خیزد. سازمان‌دهی، آگاهی، همبستگی و ارتباط، لازمه بسیج انقلابی‌اند (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۳).

بر اساس دستگاه نظری فوران که مبتنی بر رهیافت چندعلتی است، برای این‌که یک انقلاب اجتماعی موفق شکل بگیرد، باید پنج عامل علی با هم ترکیب شوند که این عوامل عبارتند از: ۱) توسعه‌ی وابسته، ۲) حکومت سرکوب‌گر، انحصارگرا و متکی به شخص، ۳) شکل‌گیری و تبلور فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و بحران، ۴) رکود اقتصادی، ۵) ارتباط باز با نظام جهانی یا امکان نفوذ خارجی (فوران، ۱۳۸۲: ۳۰۰).

رهیافت سیاسی

دیدگاه رئالیستی پارتو بر قدرت سیاسی و چگونگی تثبیت آن تأکید دارد و پیدایش شرایط انقلاب و بسیج سیاسی را نتیجه پیدایش ضعف در دستگاه سرکوب حکومت می‌داند. شرط بسیج، پیدایش سازمان، رهبری و ایدئولوژی همه‌گیر است که توده‌ها را به جنبش درآورد بدون آنکه لزوماً میان این عناصر و ساخت منافع اجتماعی، رابطه‌ای وجود داشته باشد (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۵).

از نظر ماکس وبر همبستگی، رهبری و سازماندهی گروه‌های اجتماعی لازمه بسیج اجتماعی است که پیدایش همه این عناصر موقوف به پیدایش نظام عقیدتی جدید است (همان: ۱۷).

از نظر گلدستون ریشه‌ها و فرایندهای انقلاب‌ها عبارتند از: ۱- رویگردانی نخبگان و شکل‌گیری مخالفت، ۲- ایجاد قطب‌بندی و ائتلاف، ۳- بسیج توده‌ای، ۴- تغییر اولیه رژیم، ۵- قطب‌بندی بیشتر، ۶- شکل‌گیری ضدانقلاب، ۷- جنگ داخلی، ۸- جنگ بین‌المللی، ۹- تغییر رادیکال رژیم، ۱۰- میانه‌روی انقلابی، ۱۱- احیای رادیکالیسم و ۱۲- تثبیت رژیم (گلدستون، ۲۰۰۹: ۲۰).

هانتینگتون «توسعه‌ی نامتوازن» یعنی توسعه‌ی اجتماعی اقتصادی بدون توسعه‌ی سیاسی (جذب گروه‌های نوظهور در سیستم) را عامل اصلی انقلاب دانسته و تأکید می‌کند زمانی

می‌توان یک انقلاب را کامل پنداشت که پس از پیروز شدن نیز مرحله‌ی دوّم خود یعنی نهادینه‌سازی یک سامان سیاسی نوین را پشت سرگذارد (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۳۶).

آنتونی گیدنز، انقلاب را به دست گرفتن قدرت دولتی توسط رهبران یک جنبش توده‌ای از طریق وسایل خشن و به منظور استفاده‌ی بعدی از آن برای ایجاد اصلاحات عمده‌ی اجتماعی دانسته است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۶۵۲).

رهیافت روان‌شناختی

افلاطون که حکومت آرمانی حکیمان را در ذهن خود داشت، اهمیت ویژه‌ای را برای تعلیم و تربیت جسمی و روحی در تحکیم و تثبیت یک نظام سیاسی قائل است و کم‌توجهی به این مسأله را زمینه‌ساز بروز آشوب و ناامنی در مدینه فاضله دانسته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۵۱).

جیمز دیویس این نظریه را مطرح می‌کند که احتمال وقوع انقلاب‌ها زمانی است که پس از مدت طولانی از رشد عینی اقتصادی و اجتماعی، یک دوره کوتاه مدت عقب‌گرد سریع پیش آید. رشد طولانی باعث افزایش انتظارات می‌گردد و در پی آن، رکود کوتاه مدت سبب ایجاد فاصله تحمل ناپذیر بین انتظارات و دریافت‌ها و در نتیجه وقوع انقلاب می‌شود (همان: ۳۹).

رهیافت جامعه‌شناختی

ارسطو از علل عمومی و خصوصی انقلاب نام برده و اهداف انقلاب را در تغییر تمام یا جزئی از وضع موجود و نیز رفع نابرابری خلاصه کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۵۱).

از دیدگاه دورکیم وضعیت آنومی و از هم‌گسیختگی درون‌مایه بی‌نظمی، انقلاب و منازعه برای قدرت و ثروت را تشکیل می‌دهد (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۴).

اسمیلبر، شش عامل: آمادگی ساختاری، فشارهای ساختاری، پیدایش اعتقاد عمومی، عوامل محرک، پیدایش رهبران کاریزمایی و خلل در دستگاه سرکوب را عوامل اصلی پیدایش وضعیت انقلابی می‌داند (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۴). با توجه به ایفای نقش رهبری ذی‌نفوذ در انقلاب‌ها، بررسی عوامل نفوذ و اثرگذاری یک رهبر اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند. در ادبیات رایج قدرت و نفوذ یک رهبر اجتماعی ناشی از پنج دسته برشمرده می‌شود: ۱- اقتدار ناشی از

جایگاه و مشروعیت قانونی، ۲- اقتدار ناشی از توان پاداش‌دهی، ۳- اقتدار ناشی از توان تحمیل و اجبار کردن، ۴- اقتدار ناشی از اطلاعات، دانش و خبرگی و ۵- اقتدار ناشی از مرجعیت و کاریزما (راون، ۲۰۰۸: ۱).

چالمرز جانسون با بهره‌گیری از نوشته‌های تالکوت پاسونز و سایر جامعه‌شناسان کارکردگرا، جامعه را ماهیتاً مبتنی بر رضایت - و نه تضاد - می‌داند و بر آن است که تغییر و تحول امری است طبیعی و لزوماً انقلابی و خشونت‌آمیز نیست. بر اساس این دیدگاه، انقلاب در اثر سه عامل متوالی به‌وقوع می‌پیوندد: عدم تعادل (رکود قدرت)، ناسازگاری نخبگان حکومتی و عوامل شتاب‌زا (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۴۱).

جدول تحلیل نظریه‌های انقلاب

نظریه پرداز	رهیافت	عناصر اصلی نظریه
مارکس	اقتصادی	تضاد طبقاتی ناشی از عامل اقتصادی، تحول خشونت‌آمیز، بسیج انقلابی
فوران		توسعه‌ی وابسته، حکومت استبدادی سرکوب‌گر، رکود اقتصادی، شکل‌گیری فرهنگ مقاومت، نفوذ خارجی
پارتو	سیاسی	پیدایش رهبری، پیدایش ایدئولوژی همه‌گیر، جنبش توده‌ها، بسیج سیاسی، ضعف حکومت در سرکوب
ویر		رهبری، بسیج اجتماعی، پیدایش نظام عقیدتی جدید
گلدستون		رویکردانی نخبگان و شکل‌گیری مخالفت، ایجاد قطب‌بندی و ائتلاف، بسیج توده‌ای، جنگ و درگیری، تغییر رادیکال رژیم
هانتینگتون		توسعه‌ی نامتوازن
گیدنز		قدرت گرفتن رهبران جنبش توده‌ای، اعمال خشونت، انجام اصلاحات
افلاطون	روان شناختی	آشوب و ناامنی ناشی از کم‌توجهی به تعلیم و تربیت جسمی و روحی افراد اجتماع
دیویس		افزایش انتظارات، شکاف بین انتظارات و واقعیت موجود به دلیل رکود
ارسطو	جامعه شناختی	رفع نابرابری
دورکیم		وضعیت انومی و ازهم‌گسیختگی
اسملسر		آمادگی ساختاری، فشارهای ساختاری، پیدایش اعتقاد عمومی، عوامل محرک، پیدایش رهبران کاریزمایی و خلل در دستگاه سرکوب

(منبع: محقق)

در انتهای این بخش پس از تحلیل نظریه‌های مطرح درباره انقلاب‌های اجتماعی، «چارچوب نظری تحقیق» حاوی عناصر اصلی «نظریه‌ی انقلاب» به شرح ارائه می‌شود:

۱- ناکارآمدی نظری و عملی حکومت و نظام حاکم در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و تلقی عمومی مبنی بر عدم مشروعیت حکومت و نظام موجود؛

۲- وجود رهبری مؤثر و ذی نفوذ و ایفای نقش فعالانه و تهاجمی نخبگان ناراضی در تحریک توده‌ها و راهبری جنبش‌ها بر مبنای ایدئولوژی و آرمان جایگزین؛

۳- فراگیر شدن نارضایتی عمومی و حرکت و کنش اعتراضی گسترده‌ی مردمی برای نفی و تحوّل بنیادین در نظام موجود و مناسبات سیاسی اجتماعی اقتصادی حاکم در آن؛

۴- تضعیف و ازهم‌پاشیدگی حکومت مسلط بر جامعه؛

۵- عصیان عمومی و بروز عنصر خشونت؛

۶- فروپاشی وضع موجود و شکل‌گیری انقلاب؛

۷- در دست گرفتن حکومت توسط عناصر جدید و تلاش برای استقرار نظام جایگزین مطلوب.

* ناکارآمدی و بحران مشروعیت در حکومت و نظام حاکم * وجود رهبری مؤثر و فعال برای اعتراضات * نارضایتی عمومی و بروز اعتراضات گسترده	* تضعیف و مستی نظام حاکم * بروز عنصر خشونت	* فروپاشی و شکل‌گیری انقلاب * تغییر نظام موجود و استقرار نظام جایگزین
---	---	--

چارچوب نظری تحقیق

مبانی نظری تحقیق

اندیشمندانی که بر مبنای نظریه‌های کلاسیک غربی و شرقی انقلاب به اظهار نظر پیرامون انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، ماهیت انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن را نادرست یا ناقص فهم کرده و صرفاً جزئی از عناصر تشکیل‌دهنده انقلاب اسلامی را با توجه به نوع ایدئولوژی یا رویکرد خود برجسته نموده‌اند. «چنین نظریه‌هایی توانایی تبیین کامل انقلاب اسلامی را نداشته و تحلیل جامع و مانعی از آن به دست نداده‌اند. از این رو باید به دنبال نظریه‌ای بود که با ویژگی‌های رهبری انقلاب و ماهیت اسلامی آن همخوانی داشته باشد.» (ایمان پور و اکبری، ۱۳۸۷: ۱۱). به علاوه اینکه «مشکل اصلی در نظریه‌های انقلاب ناشی از ناکامی آن‌ها در جدی گرفتن ایدئولوژی در توجیحات مربوط به عوامل و فرایندهای انقلاب است. ایدئولوژی به انقلاب چهره پدیده‌ای را می‌دهد که متمایز از مبارزه معمول بر سر قدرت است.» (معدل، ۱۳۸۲: ۳۴۰).

در این مقاله، پس از ارائه چارچوب نظری تحقیق به مثابه ساخت نظریه انقلاب، محتوای نظری نظریه انقلاب اسلامی از طریق تفسیر آیه ۲۵ سوره حدید مورد تحقیق و اکتشاف قرار می‌گیرد.

همانا پیام آوران خود را با دلایل روشن و آموزش‌های روشننگر، فرستادیم.	لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ
و با آنان مجموعه ای از مقررات و قوانین و روش‌های زندگی ساز فرستادیم.	وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
و آیینی برای ایجاد تعادل و توازن اجتماعی	وَ الْمِيزَانَ
تا انسان‌ها زندگی عادلانه (و محیط عدالت و برابری) برپا کنند.	لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ
و آهن (نیروی قهر و وسیله دفاع از ارزش‌های اصیل و معتبر) را نیز	وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ
که در آن قدرتی شگرف و بهره‌هایی برای مردم است، فرستادیم.	وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ
و تا آنانکه خدا و پیامبرانش را با ایمان به غیب یاری می‌کنند، مشخص گردند.	وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ
به یقین خدا نیرومند و شکست‌ناپذیر است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۷۲-۷۳).	إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. (۲۵-حدید)

نظر غالب محققین تاریخ قرآن این است که سوره حدید از سوره‌های مدنی است؛ یعنی بعد از هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه نازل شده است (جوان‌آراسته، ۱۳۸۸: ۵۸). پیامبر اسلام در دوران اقامت و تبلیغ در مکه، در عمل تنها یک پیشوای الهی بود و فعالیت‌های او در هدایت و ارشاد مردم و مبارزه فکری و اعتقادی با مشرکان و بت‌پرستان محدود می‌شد. اما پس از استقرار در یثرب، علاوه بر ابلاغ رسالت دینی و رهبری مذهبی، باید رهبری سیاسی مسلمانان را نیز برعهده می‌گرفت؛ زیرا در مدینه وضع جدیدی پیش آمده بود و او گام‌های نخست را در جهت پی‌ریزی یک جامعه‌ی نوین بر اساس تعلیمات اسلام، برمی‌داشت. از این‌رو خطرها و مشکلات احتمالی را پیش‌بینی کرده، به صورت یک رهبر سیاسی آگاه، شایسته و دورنگر، چاره‌اندیشی می‌کرد (پیشوایی، ۱۳۸۶: ۲۲۱).

انقلاب صدر اسلام، در همان حالی که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال، انقلابی سیاسی، معنوی، اجتماعی و انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود؛ یعنی حریت، آزادگی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است (مطهری، ۱۳۵۹: ۳۲).

خداوند در آیات مدنی سوره حدید مردم را به ایثارگری و جهاد در راه خدا و قیام برای اصلاح امور سیاسی اجتماعی و استقرار نظام عادلانه دعوت می‌کند.^۱

رسالت انقلابی و سیاسی پیامبران و رهبران الهی با محوریت آگاهی‌بخشی و بسیج مردم

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ: منظور از «بیّنات»، آیاتی است که نشان می‌دهد رسولان فرستادگان از جانب خداوند هستند و آن آیات عبارتند از: معجزات باهره‌آو یا بشارت‌های واضح و یا دلایل عقلی و حجت‌های قاطع.^۲ و بیّنات به معنای معارف و حکم نیز تفسیر شده است.^۳

انبیاء نجات‌دهندگان انسانند؛ اصلاً انزال کتاب‌های الهی و ارسال رسل برای این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم شود؛ یعنی نمادهای ظلم و زورگویی و فساد از میان برخیزد.^۴ نه فقط پیغمبر ما، بلکه عیسی و موسی و ابراهیم و هم‌همی پیغمبران الهی برای سیاست و برای تشکیل نظام اسلامی آمدند. در اسلام دین و دولت از یک منبع و یک منشأ سرچشمه می‌گیرد و آن، وحی الهی است.^۵

نبی در واقعیت اجتماعی، رستاخیزی پدید می‌آورد و همه آن بنیان‌های جاهلی که در جامعه هست برمی‌اندازد. برترین و عالی‌ترین هدف انبیاء آن است که انسان‌ها را از آب و گل پستی‌ها و پلیدی‌ها رها ساخته با جاری نمودن سرچشمه‌های استعداد در آنان، ایشان را به عالی‌ترین مدارج ترقی و تعالی انسانی برسانند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۷۱).

۱. التفسیر الحدیث، ج ۹، ص: ۷۳۲

۲. خیره‌کننده و فاخر

۳. ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص: ۳۰۱ - تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، ج ۶، ص: ۲۷۳ - الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۸، ص: ۷۱-۷۷ - مفاتیح الغیب، ج ۲۹، ص: ۴۶۹ - تفسیر الوسیط (الرحیلی)، ج ۳، ص: ۲۶۰۱ - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۴، صص: ۲۲۷ - ۲۳۰

۴. تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص: ۳۲۲

۵. بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

۶. بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۳۸۵/۵/۳۱

در واقع می‌توان چنین نظر داد که پیامبران الهی برگزیدگان انقلابی و اصلاح‌گری هستند که بر مبنای رسالت الهی و تعالیم و حیانی، فعالانه به ایفای نقش در جوامع انسانی پرداخته و خداوند به وسیله آنها انسان‌ها را در معرض آزمون ایمان قرار داده و مؤمنان را از کفار و منافقین متمایز کرده است؛ چنانکه حضرت امام خمینی^(ره) در باره ضرورت ورود و ایفای نقش رهبران دینی در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌فرماید: "مگر امکان دارد بدون دخالت در سیاست و دخالت در امور اجتماعی و در احتیاجات ملت‌ها، کسی بدون اینکه دخالت کند، قیام به قسط باشد؟ لَيَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ بَشْدًا؟"^۱

انبیاء آمدند تا جامعه عادلانه درست کنند. جامعه عادلانه نشانه‌های متعددی دارد. نشانه اولش این است که حکومت در آن جامعه، تحمیلی، فاسد و ضد‌مردمی نباشد. حکومت پیغمبران، حکومتی مردمی بود؛ برای مردم و در خدمت منافع آنان بود و مردم به پیامبران عشق می‌ورزیدند. عدالت اجتماعی اسلام، فقط در هنگامی قابل ارائه و عرضه کردن است که یک حکومت اسلامی بر پا شود. عدل اسلام در هنگامی است که حکومت اسلامی و نظام اسلامی در کشوری وجود داشته باشد.^۳

فرستادن کتاب و میزان برای شناخت علم و عدل و تشخیص حق از باطل

وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ: منظور از «کتاب»، وحی است که نوشته می‌شود و به صورت کتاب در می‌آید و مشتمل است بر معارفی دینی از قبیل عقاید حق و شریعت و احکام عملی. این کتابهای آسمانی عبارتند از پنج کتاب: کتاب نوح، کتاب ابراهیم، کتاب تورات، کتاب انجیل و کتاب قرآن.^۵ مصداق کامل کتاب که به صورت اسم جنس آورده شده و اشاره

۱. صحیفه امام، سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون، ۱۳۶۰/۶/۱۸

۲. بیانات امام خامنه‌ای، در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز عید سعید فطر، ۱۳۷۱/۱/۱۵

۳. بیانات امام خامنه‌ای، در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی مشهد مقدس رضوی، ۱۳۷۶/۱/۱

۴. ترجمه میزان، ج ۱۹، ص: ۳۰۱ - تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص: ۳۲۲ - تفسیر القرآن الکریم (صدر)، ج ۶، ص: ۲۷۳

۵. ترجمه میزان، ج ۱۹، ص: ۳۰۱ - تفسیر الوسیط (الزحیلی)، ج ۳، ص: ۲۶۰۱ - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۴، صص: ۲۲۷ - ۲۳۰

به حقیقت واحد همه کتب آسمانی دارد، قرآن کریم است که شامل سایر کتب آسمانی نیز هست. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (۱۹ آل عمران) همانا تنها دین نزد خداوند اسلام است. در تفسیر دیگر آمده که منظور از کتاب، اسم اکبر است که به وسیله آن به همه چیز علم پیدا می‌شود و چنین کتابی همراه انبیا بوده است.^۲

در روایتی آمده که منظور از «میزان»، ترازو است که جبرئیل علیه السلام آن را به حضرت نوح داده تا قومش را به توزین با آن امر کند. ^۳ قمی در تفسیر خودش گفته که منظور از میزان، امام است. ^۴ و در غالب تفسیرها مراد از میزان، عدل در افکار، اعمال، احکام و معاملات دانسته شده است. ^۵

کتاب، منبع تعالیم و دستورات نظری و عملی است و میزان، مبنای عمل و ملاک سنجش باورها و رفتارها با آن می‌باشد. مفسرین در تفسیر میزان به ترازو، عدل، دین، عقل، امام^{۱۰} اشاره کرده‌اند و بر مبنای این همراهی کتاب و میزان است که از مردم خواسته می‌شود تا بر مبنای قسط و عدالت اجتماعی حرکت کنند (جلیلی، ۱۳۸۱: ۲۱۲).

برای ایجاد، تثبیت و توسعه‌ی یک نظام سیاسی اجتماعی، قدرت نرم جایگاه ویژه و تعیین‌کننده‌ای دارد. در پژوهشی که پیرامون اهمیت قدرت نرم در قوام و الهام‌بخشی نظام‌های

۱. التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۴، صص: ۲۲۷ - ۲۳۰ و الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۸، ص: ۷۱-۷۷

۲. الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۲۶۹-۱۲۷۰

۳. الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۲۶۹-۱۲۷۰ - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۴، صص: ۲۲۷ - ۲۳۰ -

التفسیر الحدیث، ج ۹، ص: ۷۳۲

۴. الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۲۶۹-۱۲۷۰

۵. تفسیر الوسیط (الزحیلی)، ج ۳، ص: ۲۶۰۱ - تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص: ۳۲۲ - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم،

ج ۱۴، صص: ۲۲۷ - ۲۳۰ - التفسیر الحدیث، ج ۹، ص: ۷۳۲ - تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، ج ۶، ص: ۲۷۳ -

الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۸، ص: ۷۱-۷۷

۶. ترجمه میزان، ج ۱۹، ص: ۳۰۱-۳۰۲

۷. ترجمه جوامع الجامع، ج ۶، ص: ۲۴۹

۸. همان

۹. همان

۱۰. الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۲۶۹-۱۲۷۰

سیاسی انجام شده، به روش دلفی مشخص گردیده که این اصل در اذهان و باور کارشناسان و خبرگان رسوخ یافته و مهم و ضروری تلقی شده است (ره پیک و کلاه چیان، ۱۳۸۹: ۱۰۵). چنان‌که مشاهده می‌شود این نکته در آیه شریفه‌ی مورد مطالعه‌ی این مقاله نیز در اولویت قرار دارد. بیّنات، کتاب و میزان در واقع بیان‌گر عناصر و مؤلفه‌های قدرت نرم برای رسل الهی است.

ماهیت مردمی انقلاب‌های الهی با هدف دستیابی به جامعه‌ی مبتنی بر قسط و عدالت

اجتماعی

لَيْقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: منظور از «قسط» در این بخش آیه، عدالت و انصاف در روابط، تعاملات، مناسبات و سایر امور اجتماعی است. انا زندگی انسان‌ها بر مدار حق اصلاح شود.^۲

این آیه بیان می‌کند که هدف ارسال رسل و ارائه «بیّنات» و حجّت‌های متقن و غیرقابل تردید از سوی پیغمبران، انزال «کتاب» یعنی منشور ادیان در مورد معارف و احکام و اخلاقیات، معرفی «میزان» یعنی آن سنجها و معیارها، «قیام به قسط» بوده است. البته شکی نیست که قیام به قسط و همه‌ی آنچه که مربوط به زندگی دنیائی، اجتماعی و فردی افراد است، مقدمه‌ی هدف اصلی خلقت یعنی عبودیت و بندگی خدا می‌باشد که بالاترین کمالات است.^۳ چنانکه خداوند می‌فرماید: و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶ ذاریات) و جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند.

قرآن کریم برقراری عدالت اجتماعی را که نزول کتاب و میزان مقدمه‌ی آن است، از فواید بعثت انبیا می‌داند و مردم هم باید برای اجرای عدل اقدام نمایند و در برابر ظلم قیام کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۵۲).

۱. الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۲۶۹-۱۲۷۰ - مفاتیح الغیب، ج ۲۹، ص: ۴۷۱ - التفسیر الوسیط للقرآن

الکریم، ج ۱۴، صص: ۲۲۷ - ۲۳۰ - إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن، ص: ۵۴۶

۲. التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۴، صص: ۲۲۷ - ۲۳۰

۳. بیانات امام خامنه‌ای، در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی: با موضوع عدالت، ۱۳۹۰/۲/۲۷

هدف انبیاء آن است که چنان ایمان به خدا و معاد را در مردم زنده کنند و چنان اخلاق و طرز تفکر الهی را در تار و پود فرد و جامعه به وجود آورند که خود مردم با آگاهی و انتخاب خود به عدالت برخیزند و جامعه عدلی تشکیل دهند. از آنجا که وجود جامعه عادلانه هم به قدرت معنوی و هم به قدرت مادی نیاز دارد، در آیه فوق به هر دو قدرت اشاره شده است. «بینات، کتاب و میزان» هر یک پشتوانه معنوی برای استقرار عدل است و «حدید» اشاره به قدرت مادی دارد که متخلفان بدانند که هرگاه لجاجت و عناد ورزند و کارشکنی کنند، با قدرت سرکوب می‌شوند (قرآنی: ۱۵۰-۱۵۱).

برای اینکه بشر بتواند از مواهب طبیعی که در وجودش نهاده شده، بهره‌مند شود و به تعالی برسد، چه راهی را باید در پیش گرفت؟ در میان پاسخ‌های گوناگون، پاسخ انبیاء آن است که باید محیطی سالم و مساعد و متناسب با ساختمان طبیعی او برایش فراهم آورد. این محیط همان «جامعه عادلانه الهی توحیدی» است. با قرار گرفتن در این جامعه و نظام متناسب آن است که سیر آدمی به سوی سرانجام و مقصد فطری‌اش، تسهیل و تسریع می‌گردد و انسان، با شتابی طبیعی در راه درست و تعالی بخش گام می‌زند. پس پیامبران و مبعوثان وحی در نیمه راه مقصد نهایی، هدف و مقصد نزدیکتری دارند که همانا «تشکیل جامعه و نظام توحیدی و اسلامی» است؛ جامعه‌ای بر اساس عدالت، توحید، تکریم انسان و پیراسته از ظلم، شرک، خرافه و جهل و هر چیزی که انسان را خوار و پست می‌سازد (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۷۱-۷۲).

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیاء را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم‌ها از بین برود، ستمگری از بین برود، به ضعف رسیدگی بشود. در حقیقت، مهمترین وظیفه انبیاء برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است، که البته با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد. هدف بعثت‌ها به‌طور کلی این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای

احکام امکان‌پذیر است. خواه نبی خود موقّف به تشکیل حکومت شود مانند رسول اکرم، و خواه پیروانش پس از وی توفیق به تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۷۰).

جامعه اسلامی با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد و مبشّر و هدایتگر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست و لو همه ارزشهای مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است. دستیابی به جامعه‌ی اسلامی و عدالت مقدمه و هدف میانی است برای رسیدن به هدف نهائی که عبارت است از رستگاری انسان.^۲

استفاده از قوه قهریه در مقابل دشمنان و تشکیل صنایع برای رفاه انسان‌ها

وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ: منظور از آوردن «حدید»، خلق آهن و فولاد است که از آن برای ساخت شمشیر، سلاح و ابزار جنگی به عنوان قوه قهریه و برای دفع شرور و تأدیب دشمنان استفاده می‌شود. آهن در زندگی انسان‌ها و صنعت‌هایشان منافی دارد و هر صنعتی را در نظر بگیرید آهن به عنوان ابزاری در آن وجود دارد.^۳ منظور از بَأْس نیز شدت عمل، سخت‌گیری و اعمال قدرت است.^۴

در احادیث اهل بیت آمده که مراد، ذوالفقار است که توسط حضرت رسول (ص) از آسمان نازل گشت و حضرت آن را به حضرت امیرالمؤمنین داد تا با دشمنان خدا قتال نماید.^۵ پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن می‌گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهّز به سلاح هستند، با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، معارضا و مبارزه می‌کنند.

۱. بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیر خم، ۱۳۷۱/۳/۳۰
۲. بیانات امام خامنه‌ای، در نخستین نشست «اندیشه‌های راهبردی» موضوع نشست اول: بررسی اندیشه‌های راهبردی «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، ۱۳۸۹/۹/۱۰
۳. الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۲۶۹-۱۲۷۰ - تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص: ۳۲۲ - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۴، صص: ۲۲۷ - ۲۳۰ - ترجمه جوامع الجامع، ج ۶، ص: ۲۴۹
۴. الأمتل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۸، ص: ۷۱-۷۷
۵. تفسیر اثنا عشری، ج ۱۳، ص: ۴۵

پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم می‌خواند، به گوش دشمنان هم می‌رسانید؛ اما به این اکتفا نمی‌کرد. کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده‌طلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهز کنند. آنچه می‌تواند قدرت‌ها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه آن را بَرکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان ارواحنا فداه با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را می‌گیرد و کاخ‌های ستم را ویران می‌کند.^۱

و آنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ؛ یعنی اگر شخصی یا گروهی بخواهند یک جامعه را تباه کنند، یک حکومتی را که حکومت عدل است تباه کنند؛ با بیّنات با آنها باید صحبت کرد، نشینند؛ با موازین عقلی صحبت کرد، نشینند؛ با حدید [با آنها برخورد می‌شود].^۲

آزمون خداوند قوی و شکست‌ناپذیر برای انسان‌ها

وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ: جنگ و جهاد با دشمنان با حدید و اسلحه، امتحانی از جانب خداوند است تا مؤمنین واقعی در جهاد مسلحانه برای یاری دین و اقامه حق و قسط مشخص شوند. وگرنه خداوند آن چنان قوی است که هر که را بخواهد هلاک می‌کند و شکست‌ناپذیری است که به یاری کسی و چیزی نیاز ندارد. اینکه خداوند مؤمنین را به جهاد امر می‌کند برای این است که آنها از ثواب الهی برخوردار شوند و از منافع‌های آن نیز بهره‌مند شوند.^۳

۱. بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰

۲. صحیفه امام، سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و روحانیون، ۱۳۶۰/۶/۱۸

۳. الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۲۶۹-۱۲۷۰ - الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۸، ص: ۷۱-۷۷ - أظیب

البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص: ۴۴۰

و مراد از «یاری کردن پیامبران خدا» جهاد در راه او است، تا از مجتمع دینی دفاع نموده، کلمه حق را بسط دهند و منظور از اینکه فرمود: این نصرت را به غیب می‌کنند، این است که در حال غیبت رسول او را یاری می‌کنند، حال یا غیبت رسول از ایشان، و یا غیبت ایشان از رسول، و مراد از اینکه فرمود: «تا خدا بداند...» این است که خدا یاوران خود و فرستادگان خود را از آنهایی که یاری نمی‌کنند، متمایز و جدا سازد. ختم کردن آیه با این جمله گویا اشاره باشد به اینکه دستور خدای تعالی به جهاد برای همین بوده که امثال‌کنندگان را از دیگران جدا کند، نه اینکه خدای تعالی احتیاجی به نصرتِ ناصری داشته باشد، چون خدا چنان قوی است که به هیچ وجه ضعف در او راه ندارد، و عزیزی است که ذلت به سویش راه نمی‌یابد.^۱

آدمیان قبل از بعثت پیامبران طبق فطرت و غرایز طبیعی خود زندگی می‌کردند که رفته-رفته دچار اختلاف شدند. در این حال خداوند رب‌العالمین برای هدایت انسان‌ها و برای مشخص شدن مؤمنان واقعی، پیامبران را به سوی بشر فرستاد؛ همان‌طور که خداوند در این باره می‌فرماید: "مردم امت واحده بودند، [سپس در میان آنها اختلافات و تضادهایی به وجود آمد] خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انذار کنند و با آنها کتاب آسمانی که دعوت‌کننده به سوی حق است، نازل نمود تا در میان مردم درباره آنچه در آن اختلاف ورزیده‌اند، داوری کنند. [افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند] فقط گروهی از کسانی که کتاب آسمانی بر آنها نازل شده بود، پس از آن دلیل‌ها و حجّت‌های روشن که برای آنها آمده بود، از روی حسادت و ستم‌کاری و دنیاطلبی در آن اختلاف کردند، پس خداوند آنهایی را که ایمان آوردند، به آنچه در مورد حق در آن اختلاف داشتند، به اذن و رخصت خود هدایت کرد و خداوند هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند" (۲۱۳) بقره).

پس اختلاف‌ها دو قسم شد، یکی اختلاف در دین که منشأش ستمگری و طغیان بود و دیگری اختلافی که منشأش فطرت و غریزه بشری بود. اختلاف دوم که همان اختلاف در امر دنیا می‌باشد، باعث تشریح دین شد و خداوند به وسیله دین خود، عده‌ای را به سوی حق

هدایت کرد، و حق را که در آن اختلاف می‌کردند روشن ساخت، و خدا هر کس را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند. پس دین الهی تنها و تنها وسیله سعادت برای نوع بشر و یگانه عاملی است که حیات بشر را اصلاح می‌کند.^۱

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های اکتشافی کیفی است که در سه مرحله‌ی تحلیلی، تفسیری و تطبیقی انجام می‌شود.

در مرحله‌ی اول به روش تحلیل محتوای کیفی، عناصر و اجزاء تشکیل‌دهنده نظریه انقلاب به مثابه یک چارچوب نظری ارائه می‌شود. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، نظریات اندیشمندان سیاسی اجتماعی پیرامون وقوع انقلاب و تحول اجتماعی است که تحلیل محتوای آن تا اشباع نظری ادامه یافته است. خروجی تحلیل محتوا، مفهوماها و مقوله‌هایی هستند که یک پدیده را توصیف می‌کنند. معمولاً مقصود از این مفهوماها و مقوله‌ها، ساختن یک الگو، سیستم یا نقشه‌ی مفهومی است (کینگاس،^۲ ۲۰۰۷: ۱۰۸).

در مرحله‌ی دوم به روش تفسیری با مراجعه به تعداد زیادی از تفاسیر قرآنی و بیانات رهبری انقلاب اسلامی، عناصر مفهوم «انقلاب اسلامی» از آیه‌ی ۲۵ سوره حدید استنباط شده و نتیجه تدبیر در این آیه به نحو منطقی در قالب طرحواره نظریه‌ای در حوزه ادبیات انقلاب تنظیم و ارائه می‌شود. چرا که اولاً فهم قرآن برای همگان ممکن و ثانیاً روش‌مند است. آگاهی از آرای مفسران اسلامی که عمری روی قرآن کار کرده‌اند و به حق، استاد فن به شمار می‌روند، از پایه‌های تفسیر قرآن است. محقق می‌تواند نظریه‌ها را درباره آیه بررسی و پس از آگاهی از آنها، تلاش علمی و فکری را آغاز کند و حق را از باطل جدا سازد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۲).

در مرحله‌ی سوم به روش تطبیقی، اعتبار این نظریه و توان تبیین این نظریه در رقابت با سایر نظریه‌ها در موضوع انقلاب، مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تطبیقی یکی از اصلی-

ترین روش‌ها در حوزه‌ی اجتماعی، به‌ویژه در جامعه‌شناسی تطبیقی و تاریخی است. ضرورت گذار از نظریه‌های عمومی به نظریه‌های ساختاری در حوزه‌ی جامعه‌شناسی انقلاب و تحولات اجتماعی، توجّه به روش و تحلیل تطبیقی را دوچندان ساخته است. در مطالعه‌ی تطبیقی کیفی موردی، نظریه‌پردازی و دسترسی به الگوها و مدل‌های نسبتاً عام مطرح است (غفاری، ۱۳۸۸: ۵-۱).

یافته‌های تحقیق

هدف غایی آفرینش، رستگاری انسان و بندگی او در پیشگاه خداوند متعال است. برای دستیابی به این هدف و کمال نهایی، خداوند انبیاء را با دلایل روشن، حجّت‌های قاطع و معجزات مشهور مبعوث کرد و همراه با آنها کتاب آسمانی و میزان سنجش حق و باطل را فرستاد تا مردم با آگاهی و انتخاب خود برای اقامه عدالت بپاخیزند. ایجاد و بقای جامعه عادلانه اسلامی به برخورداری از مؤلفه‌های قدرت و اقتدار نیازمند است، ملاحظه می‌شود که در آیه شریفه نیز این مؤلفه‌های قدرت بیان شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت «رُسل و ناس» به عنوان مغزافزار قدرت، «بینات، کتاب و میزان» به عنوان نرم‌افزار قدرت، «حدید» به عنوان سخت‌افزار قدرت و «جامعه مبتنی بر قسط» به عنوان سازمان‌افزار قدرت، تعلیم شده است تا بدین نحو بسترهای حیات طیبه و شکل‌گیری نظام اجتماعی تأمین‌کننده صلاح دنیا و آخرت انسان‌ها مهیا شود.

حال با توجه به چارچوب نظری تحقیق و بررسی تفسیری و تبیین آموزه‌های آیه شریفه ۲۵ از سوره حدید، می‌توان نظریه‌ی ذیل را به مثابه طرحواره و پیش‌درآمدی برای دستیابی به تعریف و تفصیل انقلاب اسلامی ارائه کرد:

«انقلاب اسلامی عبارت است از قیام مردمی بر پایه تعالیم قرآن کریم و دین اسلام با هدف تحوّل بنیادین و سرنگونی حکومت و نظام طاغوت، ظالم و فاسد حاکم و استقرار حکومت و نظام جدید مبتنی بر معارف و احکام اسلامی و معیارهای علم، حق، عدل و قسط، با محوریت رهبری دینی و با روش آگاهی‌بخشی و بسیج مردم و برخورد قاطع و قهرآمیز با دشمنان.»

مطالعه تطبیقی

در این قسمت مقاله، آراء صاحب نظران و اندیشمندان حوزه‌ی انقلاب‌های اجتماعی که به صورت خاص در مورد «انقلاب اسلامی» نظریه ارائه کرده‌اند، به شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. ادعای مطرح در این بخش این است که نظریه ارائه شده در این مقاله پیرامون انقلاب اسلامی، از جامعیت و اتقان منطقی و ساختاری بیشتری نسبت به سایر نظریه‌های موجود در این باره برخوردار است.

بسیاری از نظریه‌پردازان انقلاب پس از مواجهه با پدیده انقلاب اسلامی ایران و مطالعه علل و ریشه‌های آن مجبور به تغییر نظریه‌های گذشته خود شده‌اند و یا نظریه‌های جدیدی در این زمینه ارائه کرده‌اند؛ از جمله تدا اسکاچ پل در مقاله‌ی خود با عنوان «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران» اذعان کرد: «اگر در دنیا تنها یک انقلاب، آگاهانه ساخته شده باشد، آن انقلاب، انقلاب ایران است.» همچنین میشل فوکو فیلسوف پست مدرن در ریشه یابی علل وقوع انقلاب اسلامی ایران معتقد است که این انقلاب نمی‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد، بلکه در حقیقت این رهبری مذهبی بود که توانست ایرانیان را این گونه به قیام وادارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۳۶ و ۴۳ و ۴۴).

ناصر جمال‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «مذهب و انقلاب در ایران چالشی برای تعدیل و تعمیم نظریه‌های انقلاب» معتقد است: شاید اغراق نباشد اگر بگوییم وقوع انقلاب اسلامی در ایران علاوه بر چالش نظریات عام انقلاب‌ها، نظریه‌ای را با عنوان «نظریه فرهنگی انقلاب‌ها» و در پی آن «نظریه مذهب عامل انقلاب» گسترش داد. ... پیروزی انقلاب اسلامی ایران با گرایش قوی مذهبی در حقیقت ردی بر یکسری نظریات اندیشمندان غربی بود که سعی داشتند گرایش غالب در جهان سیاست را جدایی دین از سیاست نشان دهند (درخشه، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۴).

رسول جعفریان نهضت اسلامی را جنبش عمومی مسلمانان به خاطر آزادی، استقلال

سیاسی و حاکمیت نظام اجتماعی اسلام تعریف کرده است (جعفریان، ۱۳۸۳: ۷۷).

آیت‌الله مصباح یزدی می‌نویسد: انقلاب اسلامی عبارت است از حرکتی بنیادین و تحولی اساسی در اوضاع و احوال سیاسی جامعه بر اساس آموزه های اسلامی به منظور جایگزین نمودن نظامی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۹۸).

آیت‌الله شهید مطهری معتقد است موفقیت نهضت ما در این بوده است که نه تنها به عامل معنویت تکیه داشته، بلکه دو عامل مادی و سیاسی را نیز با اسلامی کردن محتوای آن در خود قرار داده است (مطهری، ۱۳۵۹: ۳۲).

آیت‌الله عمید زنجانی در کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن می‌نویسد انقلاب اسلامی عبارت است از: دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش های اسلامی و نظام امامت، و بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان، و قیام قهرآمیز توده‌های مردم. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۳۲)

محمد رضا دهشیری در مقاله خود در توصیف انقلاب اسلامی می‌نویسد: انقلابی غایت‌گرا، آرمان‌گرا، اسلام‌گرا، عالم‌گیر و جهان‌شمول که از سوی رهبری بی‌نظیر در جهان اسلام چون امام خمینی (ره) هدایت گردید و تحولی شگرف در عرصه روابط بین‌الملل و در معادلات سیاسی دولت‌های جهان پدید آورد (دهشیری، ۱۳۷۷: ۴۴).

محمد باقر خرمشاد در مقاله خود با عنوان انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی می‌نویسد محصول انقلاب اسلامی ایران، یک نظام سیاسی بود که با تکیه بر اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های جنبش‌های اسلامی نه تنها اقدام به تشکیل یک «جامعه اسلامی»، بلکه مبادرت به تأسیس یک «حکومت اسلامی» کرده بود، و این یعنی تشکیل یک جامعه الگو که می‌توانست مبنایی برای حرکت و آینده کلیه جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان باشد. ... امروزه به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، دو کالا در جهان اسلام مورد توجه و مطالبه جدی است: مردم‌سالاری و اسلام سیاسی (درخشه، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۳).

مظفر نامدار معتقد است برای درک ماهیت متفاوت انقلاب اسلامی از دیگر جنبش‌های اجتماعی و شناخت آرمان‌های امام خمینی و همچنین بایسته‌های نظام شناخت عقلانی سیاست در عصر پساسکولار و پساغرب‌گرایی باید به تفاوت خاستگاه آرمانخواهی، جزم جمعی و عقلانیت اجتماع سیاسی این انقلاب توجه ویژه‌ای داشت. حکمت آرمانخواهی و

نظام شناخت عقلانی سیاست، حکمت خرد انتظار است. در خرد انتظار بشر می‌فهمد که پیوسته باید صورت‌بندی‌های دانایی خود را با آرمان‌های خود تطبیق کند (مظفر نامدار، ۱۳۸۷).

جلال درخشه می‌نویسد انقلاب اسلامی ایران دارای ویژگی‌های منحصر به فردی چون مذهبی بودن، مردمی بودن و نفوذ معنوی رهبری آن بوده است. انقلاب ایران بر خلاف انقلاب‌هایی چون فرانسه و روسیه که بر پایه دوری و جدایی از مذهب استوار شده بود با تکیه بر عقاید مذهبی افراد جامعه شکل گرفت و اسلام همواره به عنوان یک باور قلبی در میان مردم ایران نقش اساسی را در شکل‌گیری و پیروزی مردم ایفا کرد (درخشه، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

دکمیجان معتقد است: جنبش‌های اسلامی یک پدیده فوق ملی بوده و برای منافع استراتژیک آمریکا خطرآفرین می‌باشد؛ زیرا به یک رستاخیز اسلامی با ویژگی‌هایی چون وسیله‌ای معنوی برای گریز از بیگانگی، ایدئولوژی اعتراض علیه بی‌عدالتی اجتماعی سیاسی، ایدئولوژی بسیج انقلابی و بنیادی برای شکل‌گیری جامعه و نظام سیاسی تبدیل شده‌اند و این وضعیت در فراهم‌آوری یک احساس عمیق تعلق روحی و برادری نسبت به میلیون‌ها مسلمان بیگانه و محروم موفق بوده است.» (دکمیجان، ۱۳۷۲: ۴۱۷).

باری روزن در کتاب خود پیرامون انقلاب اسلامی ایران آورده است مؤمنان شیعی در سراسر تاریخ طولانی این مذهب، توانسته‌اند درک فردی خود از امامت و ایمان خود به آن را تجدید کنند و مسایل سیاسی موقت را رها کنند (روزن، ۱۳۷۹: ۷۳).

ایمان‌پور و اکبری در نتیجه پژوهش خود نشان می‌دهند که اسلام سیاسی معاصر با رهبری امام خمینی مهمترین عامل شکل‌گیری و تکوین انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود (ایمان‌پور و اکبری، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

فرزندی‌اردکانی در زمینه استراتژی بهینه صدور انقلاب اسلامی ایران به موارد زیر اشاره می‌کند: آگاه‌سازی بیش از پیش ملت‌ها و مسلمانان و تبیین بیش از پیش آموزه‌های انقلاب اسلامی، تلاش برای احیای هویت مسلمانان، تلاش برای حفظ و تداوم امواج مبارزات مقابل قدرت‌های سلطه‌گر و متجاوز، انتقال تجربیات انقلابی به مسلمانان، به عهده گرفتن نقش الگوسازی، هماهنگ‌کنندگی و مدیریت توسعه اسلام‌گرایی، مبارزه با توطئه‌ها و انحرافات (فرزندی اردکانی، ۱۳۸۵: ۴۶۸).

نعمت‌الله باوند در کتاب خود به این تحوّل اشاره می‌کند که دنیای معاصر پس از تجربه دو دوره قرون وسطی و عصر جدید، هم‌اکنون در آستانه قرن آینده قرار دارد. قرنی که به گفته آندره مالرو یا نخواهد بود و یا مذهبی خواهد بود. امام خمینی با چنین نقش و رویکرد اسلامی و جهانی به اسلام و مذهب تشیع، با تحقق عینی نظام جمهوری اسلامی ایران، مبشّر آغاز چنین رویداد بزرگ و عظیمی در اواخر قرن حاضر، برای ورود به قرن سرنوشت ساز ۲۱ می‌باشد (باوند، ۱۳۸۵: ۸۹).

مجتبی نامخواه در مقاله نظریه انقلاب امام خمینی چنین نگاشته است که امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را محصول یک فرایند چهار مرحله‌ای تصویر می‌کنند. در مرحله اول طرح «اسلام انقلابی» و درگیری آن با برداشت‌های مقدس‌مآبانه و متجددمآبانه از اسلام مطرح است. این درگیری معرفتی زمینه‌ساز آگاهی عمومی و شکل‌گیری یک «انقلاب انسانی» می‌شود. انقلاب انسانی مفهوم مرکزی و در عین حال پیچیده‌ی این تحلیل است که در عین داشتن زمینه‌های عینی اجتماعی به دست غیب الهی و در درون انسان‌ها انجام می‌پذیرد. محصول این انقلاب درونی مولودی نو و غیرقابل پیش‌بینی است که تحت عنوان «انسان انقلابی» بازشناخته می‌شود. انسان انقلابی در تمنای انقلاب اجتماعی به کنش‌های متمایزی دست می‌زند که منتهی به شکل‌گیری «انقلاب اسلامی» می‌شود (نامخواه، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

چنانچه ملاحظه می‌شود آراء ارائه شده پیرامون انقلاب اسلامی و نهضت‌های اسلامی، انطباق و ارتباط وثیقی با نظریه ارائه شده در بخش یافته‌های این پژوهش دارد. به گونه‌ای که در هر یک از این آراء، بخش‌هایی از مؤلفه‌های نظریه ارائه شده در این مقاله مشاهده می‌شود که با کشیدن خط در زیر آنها مشخص گردیده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در پاسخ سؤال پژوهش که آیا آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید، مؤلفه‌ها و شاخص‌های خاصی را درباره انقلاب‌های الهی ارائه می‌دهد تا بتوان بر مبنای آن تعریف ویژه‌ای از «انقلاب اسلامی» طرح نمود؟ تصریح می‌شود که مطالعه و تدبّر حول این آیه، مؤلفه‌های خاصی را درباره انقلاب‌های الهی به دست می‌دهد؛ به گونه‌ای که طرحواره نظریه انقلاب

اسلامی که در بخش یافته‌های این تحقیق ارائه گردید، شامل همه مؤلفه‌های نظریه‌های انقلاب است که در چارچوب نظری تحقیق ترسیم شده است. همچنین با توجه به مطالعه تطبیقی انجام شده، این نظریه قابل رقابت با سایر نظریه‌های انقلاب بوده و قابل ارائه به جامعه علمی دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی و نظریه‌پردازان انقلاب است. مطالعه تطبیقی روشن کرد که اعتبار نظریه ارائه شده در این پژوهش از بسیاری از نظریات مطرح پیرامون انقلاب اسلامی کامل‌تر است. کلیه مسلمانان و جوامع اسلامی که معتقد به حقانیت قرآن و پیامبر اسلام هستند، می‌توانند برای مدیریت تحولات اجتماعی سیاسی خود از این نظریه بهره‌برداری کنند. چنان‌که در مطالعه و بررسی آیه ۲۵ سوره حدید مشاهده شد، نظر و فهم مفسرین شیعه و سنی از این آیه بسیار به هم نزدیک است و بلکه علما در این زمینه متفق‌القول هستند؛ لذا احتمال توجه به آن در حوزه نظری و عملی کاملاً متصور است. حتی با توجه به این‌که آیه شریفه حوزه مأموریت پیامبران الهی را همه انسان‌ها بیان می‌کند: لَيُقَوِّمُ «الناس» بالقسط؛ لذا عناصر نظریه انقلاب که مبتنی بر آن استنباط می‌شود، قابل ارائه به همه انسان‌ها بوده و شمول و قلمرو مخاطبان آن به گستره حیات همه بشریت است.

بر مبنای یافته‌های حاصل از مطالعه تفاسیر، دو کلمه «الکتاب و المیزان» در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید که در طلیعه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده، انطباق کاملی با دو کلمه «کتاب‌الله و عترتی» در حدیث ثقلین به عنوان حدیث ذکر شده در طلیعه‌ی وصیت‌نامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی دارد. از این رو هم در قانون اساسی و هم در وصیت‌نامه حضرت امام خمینی، «قرآن» به عنوان کتاب و منبع وحی الهی، همراه با «امامت و ولایت» به عنوان میزان عدل و معیار حق و ملاک سنجش خوبی از بدی، دو رکن و پایه‌ای است که بر اساس آن قیام مردم و مجاهدت مؤمنین برای ایجاد انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی و حرکت به سمت استقرار عدالت اجتماعی و اصلاح رابطه انسان‌ها با خداوند و همچنین اصلاح روابط اجتماعی انسان‌ها شکل می‌گیرد.

به نظر می‌رسد فراگیری نظریه انقلاب اسلامی به مثابه یک آرمان و یک گفتمان می‌تواند بسترساز پردازش نظری و تحقق عملی «نظریه‌ی مردم‌سالاری اسلامی» به عنوان نظام مطلوب و جایگزین نظام‌های مردود کنونی برای ملت‌های بپاخاسته مسلمان و حتی غیرمسلمان باشد؛

زیرا پروردگار هستی گرایش به ارزش‌های الهی همچون علم، حق، عدل و قسط را که عوامل ریشه‌ای و بستر انگیزشی انقلاب هستند، در فطرت همه انسان‌ها به ودیعه نهاده است. لذا پیشنهاد می‌شود در ادامه این پژوهش و بر اساس طرحواره نظریه‌ی انقلاب اسلامی، در گام اوّل نظریه‌ی انقلاب اسلامی به نحو تفصیلی مورد پژوهش قرار گرفته و تبیین شود و در گام بعد برای تبیین و ترویج الگوی حکومتی متناسب با این نظریه یعنی الگوی «مردم‌سالاری اسلامی» برنامه‌ریزی شود تا یک بسته‌ی کامل از حوزه‌ی نظری تا حوزه‌ی عملی در اختیار نخبگان و ملت‌های کشورهای مستضعف خصوصاً در جهان اسلام قرار گیرد. این امر انگیزش و چشم‌انداز افق آینده را برای انسان‌های علاقمند به انقلاب اسلامی روشن می‌کند و می‌تواند به مثابه‌ی یک سرمشق جذّاب برای آنان الهام‌بخش باشد و آرمان صدور انقلاب اسلامی را بیش از پیش در دسترس قرار دهد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی (قدس سره)، صحیفه امام، قابل دسترسی در: WWW.Emam.com
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: WWW.Khamenei.ir
- اسکاچ پل، تدا (۱۳۷۶)، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه‌ی سیدمجید روئین‌تن، چاپ اول، تهران: سروش.
- ایمان‌پور، عباس و اکبری (۱۳۸۷)، زیبا، انقلاب اسلامی ایران چالشی بر نظریه‌های انقلاب، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- باوند، نعمت‌الله (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه انقلاب اسلامی، تهران: نشر کانون اندیشه جوان.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۶)، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام)، قم: دفتر نشر معارف.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳)، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران سالهای ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جلیلی، سعید (۱۳۸۱)، بنیان اندیشه سیاسی اسلام در قرآن، رساله دوره دکتری دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، تدوین: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، انتظار بشر از دین، مرکز نشر اسراء.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۸)، درسنامه علوم قرآنی، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- درخشه، جلال (۱۳۸۷)، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- دهشیری، محمدرضا (زمستان ۱۳۷۷)، مقاله نظریه انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، مجله حضور، ش ۲۶.
- دکمیجان، هرایر (۱۳۷۲)، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، مترجم: حمید احمدی، تهران.
- روزن، باری (۱۳۷۹)، انقلاب ایران: ایدئولوژی و نمادپردازی، مترجم: سیاوش مریدی، تهران: چاپ فرزاتگان.
- رهپیک و کلاهچیان (۱۳۸۷)، طراحی الگوی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تأمین امنیت ملی جمهوری

- اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی*، سال نهم، شماره ۳۵.
- سبحانی تبریزی جعفر (۱۳۸۲)، روش صحیح تفسیر قرآن، *فصلنامه علمی-پژوهشی قبسات*، شماره ۲۹.
- طالبی، نجمه؛ طیبی، افشین (۱۳۹۷)، نظریه فراشناختی: نظریه مدیریت طرحواره‌های ارتباطات انسانی، *فصلنامه تحقیقات رسانه*، شماره ۱.
- طباطبایی، علامه سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶)، *گزیده کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن*، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- فرزندی اردکانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، *روند صدور انقلاب اسلامی از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و و ارائه استراتژی بهینه در این راستا (با تکیه بر مورد لبنان)*، رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی.
- فوران، جان (۱۳۸۲)، *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه فرهنگ ارشاد اسلامی، تهران: نشی نی.
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مصوب سال ۱۳۶۸.
- قرائتی، محسن، ۱- توحید، ۲- عدل، ۳- عدالت اجتماعی، نشر بی تا.
- غفاری، غلامرضا (زمستان ۱۳۸۸)، *منطق پژوهش تطبیقی، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۳، شماره ۴.
- کوهن، آلوین استانفورد (۱۳۸۶)، *تئوری های انقلاب*، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لپستریا، سیمور مارتین (۱۳۸۳)، *دایره المعارف دموکراسی*، تهران: وزارت امور خارجه،
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵)، *مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، فصلنامه‌ی راهبرد*، شماره ۹.
- مصباح یزدی، آیت الله محمدتقی (۱۳۸۶)، *انقلاب اسلامی و ریشه های آن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *مجموعه آثار*، ج ۱۰، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار*، ج ۲۴، تهران: صدرا.
- معدل، منصور (۱۳۸۲)، *طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران*، ترجمه محمد سالار کسرای، تهران: انتشارات باز.
- معرفت، آیت‌الله محمد هادی (۱۳۷۵)، *تاریخ قرآن*، تهران: سمت.
- ملکوتیان، مصطفی (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، *نگرشی به نظریه‌های انقلاب و نقد و ارزیابی آنها*،

فصلنامه مطالعات تحول در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۴.

- نامدار، مظفر (۱۳۸۷)، حکمت آرمانخواهی و عقلانیت اجتماع سیاسی در نظریه انقلاب اسلامی، وبلاگ حکمتی دیگر، قابل دسترسی در: <http://namdar335.persianblog.ir/post/7>
- نامخواه، مجتبی (پاییز ۱۳۹۴)، نظریه انقلاب امام خمینی، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۵.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

ب. منابع عربی

- ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین محمد (۱۴۲۲ ق)، تفسیر ابن عربی، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار المکتبه العلمیه.
- الزحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۲۲ ق)، تفسیر الوسیط، دمشق: دارالفکر.
- دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ ق)، التفسیر الحدیث، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ ق)، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶ ش)، تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، قم: انتشارات بیدار.
- طبرسی، فضل بن رحمن، ترجمه جمعی از مترجمان، (۱۳۷۷ ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸ ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، آیت الله ناصر (۱۴۲۱ ق)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.

ج. منابع لاتین

- Elo & Kyngas, (2007), the qualitative content analysis process, *Journal of Advanced Nursing*, 62(1).
- Goldstone, Jack A., (2009), "Rethinking Revolutions: Integrating Origins, Processes and Outcomes", *Comparative Studies of South Asia, Africa, and the Middle East*, Vol. 29.

- Raven, Bertram H., (2008), The Bases of Power and the Power/Interaction Model of Interpersonal Influence, *Analyses of Social Issues and Public Policy*, Vol. 8, No. 1.